

در حاشیه «مسوئده قانون دسترسی به اطلاعات» و چگونگی مندرجات آن

در این چند روز اخیر موسسه «نی» و تعدادی از ژورنالیستان و خبرنگاران، به علت نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی از رئیس جمهور کزری تقاضا به عمل آوردند تا مسوئده قانون دسترسی به اطلاعات و معلومات را بدون طی مراحل تقنینی، با یک فرمان تقنینی امضا و نافذ اعلام بدارد، تا به استناد این قانون، رسانه ها با دست بازتر اطلاعات و معلومات مربوط به انتخابات، کاندیدها و سایر وقایع مرتبط به آن را به مردم انتقال بدهند.

چون کشور ما برای مدت زمان طولانی از ارزش های حقوق بشری، نحوه تطبیق و تحولات و انکشافات آن به دور مانده بود، و از سوی نظام دولتی در کشور به دلیل غیابت فاحش حاکمیت قانون، فرم یک دولت حقوق را که به صورت تمام عیار حایز مشخصه های آن باشد به خود نگرفته است. حق دسترسی به اطلاعات و معلومات کمی ناشناخته و مبهم مینمایاند، بنأء بد نخواهد بود، تعمقی درباره این حق به عمل بیاید که: این حق چه نوع حقی است، محتوی و ماهیت آن چه عناصری را در خود دارد، خصایل آن کدام است، از کدام منبع میآید، چگونه نظام و جامعه به چنین حقی برای اصالت خود به آن نیازمند خواهد بود؟؟ ره آورد ها و آسیب های تحقق این حق کدام ها هستند؟؟ و...؟؟ اینها پرسش های اند که نگارش تحقیقی رویدست باید به آنها جواب روشن ارائه کند..

در زمینه تاریخچه مختصر این حق توضیح گردد که حق دسترسی به اطلاعات و معلومات به مثابه جزی از حقوق اتباع (حقوق شهروندی) بیش از دوسده است که در قانون اساسی سویدن درج میباشند، بعد از جنگ جهانی دوم و به خصوص در نیم قرن اخیر، حق دسترسی به اطلاعات به حیث مکمل حق آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر میثاق ها و اسناد بین المللی، منظوقی و قوانین اساسی بسیاری از ممالک تسجیل گردیده است.

حق دسترسی به اطلاعات و معلومات به صورت عمده به آن حقی اطلاق میشود که متکی به آن شخصیت های حکمی (سازمان های رسانه بی مانند آژانس های خبررسانی، روز نامه ها، جرابد، تلویزیون ها، رادیو ها، وب سایت ها و...) و شخصیت های حقیقی یعنی افراد میتوانند از ارگان های عمومی، عامه و دولتی تمام اطلاعات و معلوماتی را که به سرنوشت اتباع، انسانها، کشور و جهان ارتباط میگیرد، دریافت نمایند، یعنی مردم حق دارند، به اطلاعات عمومی که نزد ارگان های دولتی وجود دارد مستقیم ویا بطور غیر مستقیم از طریق همین موسسات رسانه بی دسترسی پیدا کنند.

مقوله از یک حقوقدان به جا مانده است، که مشعر است: «آزادی اطلاعات و دسترسی به اطلاعات و معلومات آکسیجن جامعه دموکراتیک است.» با دریافت و دسترسی مردم به اطلاعات عمومی که نزد دولت وجود دارد، مردم در برابر وقایع آمادگی لازم را میگیرند، رعایت این حق با عث توسعه آگاهی های مردم میشود، مردم با بهره مندی از حق اطلاعات، به مهم ترین عناصر دیموکراسی، یعنی سهم گیری در اتخاذ تصمیم عمومی و مشارکت در تحقق حاکمیت ایشان دست می یابند، بدون آگاهی از اصل و واقعاتی که معلومات آن نزد ارگان های عامه است مردم قادر به تصمیم گیری صحیح و مشارکت فعال و سازنده نخواهند شد.

منظور اساسی حق دسترسی به اطلاعات، مقاومت در برابر فرهنگ اختفاء و پنهان کاری دولتی بوده، که خصلت نظام های استبدادی و خود کامه میباشد، دولت های که خویش را غیر مسوول و مالک جان و مال «رعیت» میدانند و از خلق الله همه امور و کرده های خویش را مخفی میکنند تا دانسته نه شود که دولت در چه زمینه های از حد خود عدول کرده است و یا لا اقل در کدام ساحة معیاری عمل نموده است، نظام های اختفاءگرا برای ما افغان ها به حدی آشنا است که برای آن نیازی به مثال آوری دیده نمیشود.

حق دسترسی به اطلاعات و معلومات را یکی از حقوق بنیادین بشر محسوب میکنند چه تشخیص سایر حقوق بشری و طریق استفاده و کاربرد آن در شرایط خاص، مستلزم مطلع بودن از معلومات ذیربط میباشد که غالب آن معلومات در نزد ارگان های عامه قرار دارد.

حق دسترسی به اطلاعات و معلومات برای نخستین بار در اعلامیه جهانی حقوق بشر (دسامبر 1948) در ماده 19 آن ثبت و جهانی گردید، این ماده در زمینه حق دسترسی به اطلاعات و حقوق رسانه بی به اندازه ای معروف است که نیازی به یاد آوری اسم اعلامیه هم گاهی نمیروود، متن ماده چنین است: «هرکس حق آزادی بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود بیم واضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل و بدون ملاحظات مرزی، آزاد باشد.» سطری که با زیر خطی مشخص شده است اتکای این اصل است

که حق دسترسی به اطلاعات جز حقوق بشری انسان ها است ، بعداً این اصل در فقرات 2 و 3 ماده 19 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (دسامبر 1966) با محتوای آتی درج شد: « 2- هرکس حق آزادی بیان دارد، این حق شامل آزادی تفحص و تحصیل و اشاعه اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگری به انتخاب خود میباشد.

3- اعمال حقوق مذکور در بند 2 این ماده مستلزم حقوق و مسؤولیت های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت های معینی گردد که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد: الف- احترام به حقوق یا حیثیت دیگران؛ ب- حفظ امنیت ملی، نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی.» .

ایضاح گردد که میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی شرح تفسیری اعلامیه حقوق بشر و تا حدودی حاوی طرز اعمال اصول مندرج در آن اعلامیه میباشد. به این صورت نکاتی که در اعلامیه بصورت عام و کلی رقم شده اند در میثاق های مزبور تا حدودی به صورت مشخص معرفی گردیده اند.

به این ترتیب حق دسترسی به اطلاعات و معلومات، تعریف این حق، حدود اعمال و ماهیت اطلاعاتی که بر اساس این حق مشروعاً قابل دسترسی باشد، خیلی حساس بوده و نیاز جدی به تأمل دارد، چنانچه این مکتب و تأمل را در ماده 19 و فقرات 2 و 3 و مخصوصاً در بند های الف و ب فقره 3 این ماده میتوان به وضاحت احساس نمود.

لیا لووین یکی از مفسرین حقوق بشر مینویسد که تصویب کنندگان میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (اسامبله عمومی ملل متحد) به احتمال زیاد میخواستند اند در برابر بند الف فقره 3 موارد بیشتری بیفزایند، که شاید به دلایل نامشخص نتوانسته اند این امر را به اجرا بگذارند، و اگر نه علامت « ؛ » در اخیر یک جمله افاده آن را خواهد داشت که شرحی بیشتری به دنبال مییابد که چنین شرحی در آن بند دیده نمیشود. نکات شامل ماده 19 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز تفسیر لیا لووین به وضاحت این نکته را میرساند که تصویب کنندگان این میثاق در زمینه تفسیر موسع این حق جداً نگرانی داشته اند، زیرا نه تنها در همان ماده 19 بر محافظت حقوقی که ممکن است به اثر تفسیر موسع حق دسترسی به اطلاعات صدمه بردارد، تأکید میشود، بل در بسیاری از مواد، آن به رعایت حقوق آسیب پذیر، عطف دقت صورت گرفته است.

تسویب کنندگان باهمت قانون اساسی سال 2004 ما، حق دسترسی به اطلاعات را در ماده 50 در پراگراف سوم آن به شرح ذیل گنجانیده اند: « اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد.» این متن نیز به نوعی به بخش های که خود میثاق نگرانی اش را پنهان نکرده است ، استثنائاتی را قایل میباشد. بدون شک مسوده قانون دسترسی به اطلاعات همین ماده را متکای توجیه خود قرار خواهد داد.

بنده سعی نمودم تا به طریقی مسوده قانون را بدست آورده و به استناد متن آن این نگارش را کمی مفصلتر گویای موضوع بسازم که موفق نگردیدم، اما موارد زیادی اند که باید بر آن توجه نمود.

بیگمان تمایلات مروج فکری سیاسی سال 2004، در میان تسویب و تصویب کنندگان قانون اساسی ما نیز حاکم بوده است، یکی از تمایلات معمول و شاید هم خیلی معمول، همان تمایل کسب امتیازات بیشتر برای آزادی های رسانه یی و مطبوعات است، که این هدف با ایجاد زمینه های وسیع قانونی برای آن، برآورده شد و عملاً شگوفایی شگفت آوری را نیز به میان آورد که آزادی رسانه یی همانند آنرا در منطقه نمیتوان سراغ نمود، گویا یکی از دستاورد های دوازده سال اخیر هم همین آزادی فراخ رسانه ها میباشد و اما این جریان امتیاز خواهی برای نفوذ بیشتر قوه های رسانه یی تا هنوز در حال پیشروی است، اینکه این مسیر الی بی نهایت بتواند با نتایج مثبت ادامه یابد، موضوعی است که قابل تعمق میباشد.

این بعد موضوع از ما میخواهد که در تعیین قلمرو، نفوذ و دسترسی به اطلاعات منجانب رسانه ها حد اصولی را یعنی همان حدی را که در میثاق های که ما به آن ملحق هستیم، خیلی دقیق، نکته سنجانه و مورد به مورد در نظر بگیریم، نیاز آن محسوس است تا نگاهی به مزایای « دسترسی به اطلاعات » انداخته شود:

1- حق دسترسی به اطلاعات فرصت های را میسر میسازد تا مردم با آگاهی های مؤثقی که از حقایق و رویداد ها دارند، در قضایای متنوع ابراز عقیده نموده به دولت مشوره بدهند و از این طریق مشارکت سیاسی راعماً تمثیل نمایند، بدون دسترسی مردم به اطلاعات لازم، اعمال چنین مشارکتی ناممکن خواهد بود، در چنین وضعیتی دموکراسی دیگر نفس کشیده نخواهد توانست، بدون اوکسیجن چگونه قادر به تنفس خواهند بود. و نیز مردم با مطلع شدن از حقایق در باره قابلیت ها، درجه حس مسؤولیت حکمروایان و مساعی که به عمل میاورند، قضاوت خواهند کرد و به تجارب خویش خواهند افزود، این تعامل به ذهنیت عامه مفهوم زنده و پویا میدهد.

2 - مردم از تمام حقایق سیاسی، نظامی و اجتماعی با خبر گردیده، و برای مواجه شدن با آنها، آمادگی های لازم را خواهند گرفت و آگاهانه در خیر و شر عمومی و خصوصی خویش ذیسهه خواهند شد، گاهی هم دولت ها برای پوشانیدن تقصیر خود ایشان به کتمان حقایق پرداختند و چه بسا که مردم از بی اطلاعی واقعیت ها، در کمال بی خبری و معصومیت، قربان وزیر پا گردیده اند، در چنین مواردی دولت ها مکلفیت دارند تا واقعیت ها را برای مردم ایشان به زمان مساعد و یا به اسرع وقت ابلاغ بدارند، اگر ما به گذشته تاریخ کشور نظری بی اندازیم شاید به مورد یا مواردی بر بخوریم که مردم تاوان بیخبری ایشان را به سبب تقصیر دولت ها خیلی گزاف پرداخته باشند.

3- دسترسی به اطلاعات زمینه گسترش شفافیت را در تمام ساحاتی که فعالیت و اقدامات دولت به عمل مییابد تأمین میکند، مطلع بودن مردم از فعالیت ها، صداقت، توانایی و یا هم احياناً نارسایی پلان ها و اقدامات دولتمداران را متبازر میسازد.

4- وقتی دولت ها احساس میکنند که با دسترسی به اطلاعات کارکردگی آنها، توسط مردم نظارت میشود، سعی بیشتر مینمایند تا امور را به وجه احسن و معیاری به انجام برسانند، یعنی احساس مسؤلیت میکنند.

مفاد دسترسی به اطلاعات به موارد بالا محدود نمیگردد، بلکه به ده ها دستاورد سودمند دیگر را نیز خواهد داشت.

و اما آیا دسترسی به اطلاعات کدام نقص و ضرری هم خواهد داشت؟؟

بحث، مشاجره و دعوی متداوم میان اداره و رسانه ها بر سر این امر که رسانه ها مثلاً اجازه نداشته اند تا به این یا آن موضوع دسترسی پیدا کرده و آنرا به نشر برسانند، فصل پُر جنجال را در روابط رسانه ها و اداره به میان خواهد آورد و یا رسانه ها شاکه خواهند بود که مثلاً اداره این یا آن رویداد و یا معلومات را پنهان میکند.

برای افهام بهتر این بخش نگارش لازم است قبل از تذکر آسیب های ناشی از استفاده غیراصولی دسترسی به اطلاعات، محتویات مندرج این اطلاعات را تعریف نمود: هم در میثاق مربوط و هم در قانون اساسی ما تمام اطلاعات، قابل دسترسی دانسته شده اند، به استثنای موارد: « احترام به حقوق یا حیثیت دیگران و حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی»، دیده میشود که استثنای محتوای این اطلاعات قابل دسترسی که نباید به دسترس قرار بگیرند به حدی کلی و عمومی اند که ایجاب دسته بندی و شرح بیشتر را مینمایند.

در این جا باز هم باید وضاحت داد، که گستره این استثنائات در نظام امریکایی و نظام اروپایی فرق دارد، کشور های امریکایی در میثاق امریکایی حقوق بشر منعقد سال 1969 در ماده 13 تقریباً همان محدوده استثنائات مندرج در میثاق حقوق 1966 را شامل کرده اند، که بالنسبه دائره کلی را افاده میکند. اما اروپایی ها در این حصه به منظور محافظت از حقوق مرتبط شهروندان، کمی محافظه کارتر میباشند؛ در میثاق امریکایی در زمینه دسترسی به اطلاعات حق جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات پیش بینی شده است، یعنی شخصیت های ذیعلاقه میتوانند خود به تجسس به اطلاعات متوسل شوند، حق جستجو این صلاحیت را به آنان قائل گردیده است در حالیکه در ماده 10 میثاق اروپایی حقوق بشر حق دسترسی به اطلاعات تنها به دریافت و انتقال آن اطلاعات محدود گردیده است، بدین معنی که مراجع و اشخاص تنها به همان اطلاعاتی دسترسی پیدا خواهند کرد که اداره در اختیار آنان میگذارد و اداره مکلف به ارائه آن میباشد. با توسعه روز افزون فعالیت های رسانه بی، از سال 1994 تا سال 2001 وزرای کشور های اروپایی طرحی را که محصول تجربه و کار آنان در زمینه حدود ماهیت اطلاعات قابل دسترسی باشد، ترتیب نمودند که در طرح مذکور نکات آتی در جمله استثنائات اطلاعات قابل دسترسی (اطلاعات غیر قابل دسترسی) شامل گردیدند:

- امنیت ملی، نظم عمومی، دفاع و مناسبات بین المللی.
 - فعالیت های پیشگیرانه، تحقیق و تعقیب افعال جرمی.
 - امور خصوصی و یا دیگر منافع شخصی مشروع.
 - منافع خصوصی یا عمومی تجار تی یا دیگر منافع اقتصادی.
 - تساوی طرفین دعوی در جریان رسیدگی قضایی.
 - طبیعت و ماهیت موضوع و یا یک امر.
 - واری، کنترل و نظارت مقامات عمومی.
 - سیاست های مربوط مبادلات و خط مشی های پولی و مالی مملکت.
 - حریم مذاکرات میان مقامات عمومی.
- دسترسی به اطلاعات فوق زمانی قابل رد است که از افشای آن به هریک از موارد مذکور، احتمال وارد شدن آسیب منصور باشد. مگر با آنهم اروپایی ها رعایت استثنائات نامبرده را بیشتر مورد به مورد در نظر میگیرند، بدون آنکه آنرا طور میکانیکی به صورت عمومی در نظر بگیرند، اما اگر وضاحت نداشت که دسترسی و نشر یک موضوع مخرش کدام حقی خواهد بود و یا خیر؟؟ بنابراین ماهیت موضوع یا به دسترسی و یا به عدم آن نظر داده میشود.

کشورما که میثاق حقوق مدنی و سیاسی را پذیرفته و به آن ملحق میباید، در تثبیت و تعیین محتویات دسترسی به اطلاعات تابع همان ماده 19 و بندهای 2 و 3 آن ماده خواهد بود، که اختصار آن در ماده 50 قانون اساسی ما تسجیل گردیده است، باید دید این محتویات حایز چه حوزه ها و موضوعاتی خواهد بود:

اول: احترام به حقوق یا حیثیت دیگران: در این متن، مفاهیم مانند حیثیت و کرامت شخصی، تمام حقوق مادی و معنوی رعایت زندگی شخصی و حریم خصوصی و شخصی افراد انسانی شامل اند، به این تفسیر که دسترسی به اطلاعاتی که شامل محتویات فوق باشد قطعاً غیر قابل دسترسی، غیر قابل نشر و غیر قابل انتقال میباشند، نقض آن تخلف از قانون بوده و مستوجب مؤیده خواهند بود چه این مؤیده به صورت مجازات و یا به صورت تأدیبه جبران خسارت به متضرر و یا موضوع اطلاعات باشد، به گمان غالب این بخش استثنائات، موارد دسترسی به اطلاعات، خیلی ها مهم بوده و از بس که وسیعاً در این عرصه بی مبالائی وجود دارد، تا هنوز اهمیت آن در جوامع نظیر جامعه ما آن طور که باید، فهمیده نشده است. مثال های زیادی وجود دارد؛ در نشرات تلویزیونی بار ها و بارها دیده شده است که به عوض آن که درباره اصل واقعه، خبر دقیق تهیه کنند، تصویر قربانی جرم را که یک زن بوده و یا یک کودک و آنهم در جرایم شنیع جنسی بروی پرده آورده اند، در حالیکه آنها حتی اجازه نشر تصویر و چهره مهم را نیز نباید داشته باشند، اما به طور ناشیانه اقدام به نشر تصویر و صدای قربانی جرم مینمایند. یا در راپورتاژها در منزل افراد سرشناس و غیر سرشناس داخل گردیده و تمام جزئیات زندگی آن شخص را به نمایش میکشند و یا در باره مسایل بسیار خصوصی و شخصی افراد نشرات مینمایند، یا تصاویر افراد را بدون اجازه آنها در نشرات انترنتی و یوتوب و فیس بوک به تماشا میگذارند و یا حتی رقص دختران و پسران را که در محافل فامیلی مانند عروسی ها و غیره محافل خوشی اجرا میشود در نشرات عمومی به تماشا میگذارند. در نشرات نوشتاری به اشخاص و حقوق آنان تعرضات و حملاتی میشود که اصولاً مجاز نبوده و یا اطلاعاتی در باره افراد به نشر سپرده میشود که ولو درست هم باشند، مجاز به نشر آن نیستند، چون در اینجا بحث بالای دریافت اطلاعات از مراجع دولتی است، دولت نباید اطلاعات حاوی معلومات فوق را در اختیار رسانه ها و یا اشخاص قرار دهد و یا برای همچو مسایل اجازه نشر راقابل گردد، حتی اگر این اطلاعات از مراجع اداره به سرقت برود و یا به صورت مجرمانه زریعه کارمندان اداره به فروش برسد باز هم دولت و اداره اش مقصر و مکلف به اعاده و جبران آن خواهد بود.

در اینجا قضیه رسوایی بیل کلینتن و مونیکا دوست دختر اش را به خاطر میاوریم که با مداخله بی حد و حصر رسانه ها چه سناریوی ناراحت کننده را برای مردم امریکا و فامیل کلینتن به دنبال داشت، با اینکه این رویداد به اثر جستجو و تجسس رسانه ها به یک رسوایی بزرگ سیاسی شکل میگرفت. مداخلات منفعت جویانه رسانه ها در چنین مواردی زیر سوال نرفت. در حالیکه همین دو هفته قبل آقای فرانسوا هولاند رئیس جمهور فرانسه به اثر تجسس یک مجله فرانسوی در ارتباط به روابط عاشقانه موصوف با یک دختر هنر پیشه سینمای آن کشور، داستان عشق

و عاشقی اش آشکار و تشهیر شد، اما رئیس جمهور فرانسه این انتشارات را تعرض در امور زندگی شخصی اش و انمود کرد و آن دختر هنرپیشه در محکمه بر علیه آن مجله اقامه دعوی نموده و کار مجله را تجاوز بر حریم شخصی خودش محسوب نموده خواهان رسیدگی شد، ولی محکمه تا حال اعلام نکرده که آیا مجله را به دلیل اقدام غیر قانونی تجسس در امور حریم شخصی افراد مقصر خواهد دانست و یا چطور؟؟ . تصور نشود که این قلم جانبدار رسوا شدگان است از اینکه این دو رویداد قبلاً منتشر شده و کمی مشهور اند، از آنها طور مثال تذکره به عمل آمد.

دوم: «حفظ امنیت ملی»: در این اصطلاح تمام اسرار دولتی و اداره را که به حفاظت و حراست امنیت داخلی و خارجی تعلق میگیرد، شامل می بینیم، که اسرار نظامی، ساخت و کار و طریق کاری ارگان های امنیت ملی، محل تخریب و وسایل و ابزار های نظامی، بالخاصه سلاح های حساس، اطلاعات مربوط به سیاست های مالی و اقتصادی که افشا و دسترسی به آنها آسیب های اقتصادی را برای دولت و جامعه در قبال داشته باشد و هرگونه اطلاعاتی که به سرنوشت امنیت کشور، مردم و متعلقات اداره مرتبط دانسته شود، در این ردیف آمده و غیر قابل دسترسی تثبیت شده میتواند،

سوم: «نظم عمومی»: تمام آن اطلاعاتی که دسترسی و انتشار آن باعث اختلال نظم عمومی جامعه گردد، یا به نحوی زمینه مختل شدن نظم را به وجود آورد، اطلاعات غیر قابل دسترسی تشخیص میگردد، چه این اطلاعات از هر دستی که باشد، اداره دولت مکلفیتی برای ارائه کردن آن ندارد، ولو اداره با وسایل متعدد، تحریک و تهدید به ارائه این نوع اطلاعات ساخته شود، معمولاً گروه های معین سیاسی، تباری، سکتاریست و ... برای بدست آوردن همچو اطلاعاتی تکاپو میکنند، تا از این اطلاعات با توجیه، تفسیر و تعبیرات مخصوص به خود ایشان، نتایج دلخواه اختلال عمومی را از آن برون بکشند، اطلاعات شامل این کتگوری را نمیتوان به یک بخش معین محدود نمود، زیرا در حالاتی مشخص و در وضعیت های معینی، اطلاعات هریک از سکتور های حیات اجتماعی میتواند مولود اختلال نظم عمومی گردد، اداره با درایت کامل در زمانه های مربوط باید قادر به غیر قابل دسترس ساختن چنین اطلاعاتی باشد.

چهارم: «سلامت یا اخلاق عمومی : اطلاعاتی که به قضایای متفاوتی تعلق بگیرد و به نوعی دسترسی و انتشار آن در تناقض با اخلاق مروج در جامعه باشد ویا اخلاق مروج را تخریش نماید ویا دسترسی و انتشار این اطلاعات صحت و سلامت جامعه را تهدید کند، میتوان آن را غیر قابل دسترسی دانست، مدارک جرایم شنیع جنسی، اسناد حاوی مواد رکیک و خلاف اخلاق عمومی ، مدارک تخریش کننده معنویات عامه و... در این زمره خواهند بود. حالا میتوان در مورد مضار استفاده غیر معیاری از اصل دسترسی به اطلاعات به راحتی بیشتر نکاتی را ردیف نمود:

اگر تنها به خاطر آزادی گسترده رسانه بی به دور از مسئولیت حقوق اساسی هموطنان، و بدون توجه به اصولی که در این مورد وجود دارد، اختیارات وسیع برای رسانه ها در نظر گرفته شود و اطلاعات متعلق به عرصه های حریم خصوصی افراد، از هر مرجعی که باشد، به دسترس قرار داده شده و احیاناً به نشر برسد، ما در برابر موج وسیع هرج و مرج رسانه بی مواجه خواهیم بود، در این روز و روزگاری که آدم ها برای امور بسیار ضروری فرصتی ندارند، با چه امکاناتی در محاکم به دنبال مستور ساختن حریم شخصی و خصوصی ایشان به عرض و داد و دعوی خواهند پرداخت؟؟ در ممالکی که «پاپارازی ها» خبر نگاران عکاس مزاحم که بدون رعایت هیچ اصلی فوتوی افراد را گرفته و به نشر می رسانند، حتی دانشمندان دست به اختراع ایزاری زده اند که به صورت خودبخودی در برابر فلش کمره عکاسی نوری روشن میسازد که تصویر چهره دارنده مذکور اصلاً معلوم نه شود، در جوامعی که بنابر عدم رشد کافی فرهنگی، امور و حریم شخصی و خصوصی مردم هیچگونه متاعی محسوب نه شده، و این ارزش مثل یک لاف و دروغ تلقی میشود و از قبل حیثیت و حریم خصوصی مردم چندان زیر یک چتر مصونیت به نظر نمی رسد با طرح و تصویب قوانین فرا اصولی دسترسی به اطلاعات، این قبیل ارزش ها در معرض جدی آسیب قرار خواهد داشت.

در کشور های بحران زده که به علل و اسباب گوناگون، اطمینان به سیستم اجرایی و دفتری و کادرها در حد خیلی نازل آن قرار میگیرد، در ممالکی که حضور استخبارات دول مغرض به طور ملموسی احساس می شود، سخاوتمندی بدون ضابطه و قواعد متداول، بازگذاری دروازه اطلاعات این حوزه، به نفع منافع کشور نخواهد بود، دسترسی به اطلاعات را نباید آنقدر در دایره بزرگ قرار داد که ما دیگر هیچ داری مادی و معنوی برای محرم بودن نداشته باشیم و بالاتر آن تمام توانایی های دفاعی ما از قبل خنثی ساخته شود، ولی نباید این حوزه چنان ضیق گردانیده شود که مافیای فساد در عقب آن ستر و اخفا بنماید. نظام دسترسی به اطلاعات باید چنان به دقت آراسته شود که زره رزه عناصر ضد شفافیت و ضد مردم و ضد آرمان های شریف وطن ما را بی آب و رسوا بسازد، مگر در محدوده که از قبل قانونمند گردانیده شده است.

در اینجا نامرتب نخواهد بود که به عوامل بازدارنده ایجاد یک قدرت سیاسی نیرومند یاد آوری های داشته باشیم: در کنار عوامل متعددی که نقش نه چندان مثبتی در تأمین یک دولت و اداره نیرومند در کشور به جا گذاشتند، آزادی داشتن یک نظام رسانه بی نیرومند علی الرغم اهمیت آزادی خواهانه آن، در پروسه تضعیف سازی قدرت سیاسی ، نیز سهم خود را ادا کرده خواهد بود، به عباره دیگر شاید ما برای بدست آوردن نظام قوی رسانه بی بهای هم پرداخته ایم. اگر درست باشد که دموکراسی مجموعه متناسب از نیروهای متشکله دارای اراده مستقل یک جامعه است که به صورت آزاد و متناسب نظام دیموکراتیک را تعمیل کرده و آنرا زندگی میکنند، پس باید معترف بود که حضور نامتناسب عرصه های نفوذ قدرت و رسانه ها چنین تعادلی را تمثیل نخواهد کرد، جامعه هم به دولت نیرومند و هم به رسانه های آزاد و مسؤول نیازمند است، اعمال ارزش های دموکراتیک در یک جامعه مردم سالار نیاز به درک متقابل اداره و مردم دارد و این رابطه فهم متقابل میان حکومت کنندگان و حکومت شوندگان یک ضرورت جامعه قانونمدار است و این درک متقابل را فرهنگ سیاسی مردم سالارانه تأمین میکند ، این فرهنگ یکی از لازمه های اهم تحقق مناسب دموکراسی را تشکیل میدهد، اگر این تناسب به نفع قدرت ویا رسانه ها به هم بخورد، ما به جای رشد مجموعی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اثر ماحصل مثبت دسترسی به اطلاعات، به تنگنا های سوی اعتماد، پراگندگی گروه های مختلف اجتماعی و توقف توسعه روبرو خواهیم شد. همین حالا هستند تعدادی از رسانه های داخل و برون مرزی ما که در باب عرصه ها و نیاتی نشرات دارند که به مراتب و فرسنگ ها از اصول و قواعد مروج به دور میباشد، اگر روزی چنین رسانه های باتمسک به یک قانون ضد اصول این حوزه، بخواهند به اطلاعاتی دسترسی پیدا کنند، که با تحریف ویا استفاده سو از آن به سلامتی های اتحاد ویک پارچگی کشور صدمات غیر قابل علاج وارد آورند، ما چه مفادی از تصویب و اجرای چنین قانونی بدست خواهیم آورد؟؟ اینجا ما در برابر امری قرار نداریم که با فراموشی منافع عمومی نسل و نسل ها و فراموشی نیاز حال و آینده وطن به تاج بخشی و سخاوتمندی در فکر و شوق کف زدن های ممتد حکومت شوندگان برای خود ما باشیم، باید به فکر منافع کشور و نسل های آینده آن بود، امروز و فردای وطن از ما میخواهد که متون قانونی توأم با تدبیر، دوراندیشانه و سرشار از تعقل و تأمل را به میراث بگذاریم.

علاوه گردد که قلمرو های غیر قابل دسترسی به اطلاعات حریم خصوصی و شخصی برای اداره وارگان های دولتی نیز مسدود است، مگر اینکه قانون قبلاً مورد یا مواردی را از آن مستثنی ساخته باشد و اگر نه اداره برای دسترسی به اطلاعات مشخص حریم خصوصی افراد، نیاز به قرار و تصمیم یک مرجع قضایی دارد، در بعضی از ممالک مثلاً دسترسی به معلومات DNA افراد، به حکم محکمه مشروط گردیده است، یا بعضی از حقوق دانان، اکسری بدن آدم درمیدان های هوایی را غیر مجاز دانسته و آنرا تعرض بر حریم شخصی تلقی مینمایند، اما تخلف در این حوزه به صورت گسترده آن توسط دولت ها در عمل ارتکاب می یابد، تقریباً تمام دولت ها به این تخلف آغشته اند، ایالات متحده آمریکا در ارتکاب این تخلف به طور مستند، با پشتاره، مقصر شناخته شده است، دولت این کشور به صورت غیر مجاز و خلاف مندرجات میثاق های متعده در حریم خصوصی صد ها میلیون انسان داخل شده و به شنیدن صحبت های تیلیفونی آنان پرداخته و گویا برای تعقیب و تجسس جرایم تروریستی به این کار دست زده است، هیچ دلیل و ضرورتی ماهیت این تخلف را تغییر داده نمیتواند، آسیب احتمالی این تخلف لا اقل مثلاً چنان خواهد بود که یک کارمند بخش های استخباراتی آن کشور، افراد را به افشای اطلاعات شامل حریم خصوصی آنان تهدید نموده و خواهان دریافت قیمت مسکوت گذاشتن موضوع گردد، بی مبالاتی در این زمینه و سرسری گرفتن این مسأله عواقب وخیمی را برای اصل مصون بودن حریم خصوصی در قبال داشته و دیگر هیچ صحبت تیلیفونی، هیچ مندرجات ایمیل های انسان ها و هیچ نامه و مکتوب شخصی و رسمی افراد، جز امور شخصی و حریم خصوصی شناخته نه شده و محرم نخواهد ماند، به همین خاطر به منظور دفاع از اصل مصونیت حریم خصوصی انسان، تمام جامعه بشری و دول معتقد به اصول بشردوستانه، در برابر این عمل ایالات متحده آمریکا عکس العمل شدید نشان داده و آن را محکوم کردند، این دستبرد، به دست اندازی به حریم خصوصی افراد خلاصه نمیکرد، اسناد استخباراتی، سیاسی و دیپلماتیک بسیاری از دول نیز توسط اداره استخباراتی آمریکا مورد دستبرد قرار گرفته است، که کشف این رویداد توسط «ویکی لیکس» غوغای را به پا کرد، دولت ها فهمیدند که ارسال اسناد از طریق نامه های الکترونیکی یا ایمیل زیاد هم غیر قابل نفوذ نبوده و خطر دزدی شدن آن جداً وجود داشته است. آسیب نقض اصول و قواعد جهانی دسترسی به اطلاعات، توسط دول به مراتب نسبت به نقض آن در عرصه های انفرادی و خصوصی وخیم تر و فاجعه بار خواهد بود.

در اخیر قابل توضیح است که در دنیای امروزی حق دسترسی به اطلاعات در ساحات مهم نظیر حفظ محیط زیست و حراست از طبیعتی که انسان در آن زیست میکند، خیلی متباز است، چگونگی هوای که آدم ها تنفس میکنند، غذا و آبی که صرف مینمایند و... مستلزم دسترسی به اطلاعات مؤثر در باره کیفیت آنها خواهد بود.

جوامعی که در تنگنا های دسترسی به اطلاعات به سر میبرند و پاسخ های خشونت باری به نیاز های مطلع شدن آنها داده میشود، به همان ترتیب خواسته های رسیدن به حق دسترسی به اطلاعات نیز گاهی رنگ افراط و تفریط را به خود میگیرد، معمولاً این خواسته ها اصل افشاگری در امر اطلاع رسانی را چنان عمده میسازند که سایر مقاصد از دسترسی به اطلاعات کم رنگ شده و یا فراموش میگردد، با نگاهی به این خواسته ها میشود، اهمیت و عملی بودن آنها را محاسبه نمود:

- تمام اطلاعات موجود نزد دولت ها باید قابل دسترسی و قابل افشا باشند و اطلاعات غیر قابل دسترسی جز استثنا محدود رقم بیشتری را احتوا نکند.
- حد اکثر جلسات تصمیم گیری مراجع قانون گذاری باید علنی و قابل سمع عمومی باشد
- تفسیر قوانین در پرتو نیت افشای اطلاعات صورت گیرد
- در حالت تقابل نیاز به اختفا و نیاز به افشا، اولویت اصل افشاگری در نظر گرفته شود.
- دسترسی به اطلاعات باید مجانی باشد ولی اگر اعلام اطلاعات مصارفی را ایجاب کند در این صورت نرخ و یا قیمت اطلاعات نباید چنان بلند تعیین شود که موجب انصراف از دسترسی به آن گردد.
- مواد جزایی که در اسناد تقنینی دسترسی به اطلاعات درج میگردد باید مواظبت های از اشخاص متخلف این مقررات در آن مد نظر گرفته شود.
- در تمام قوانین مربوط به عرصه رسانه ها، بر حق دسترسی به اطلاعات تأکید گردد.
- مراجع و اشخاصی که خواهان دریافت معلومات در باره امری هستند، در صورت عدم دسترسی به اطلاعات مورد نظر و نبودن دلیل مقنع قانونی، بتوانند به یک مرجع قضایی قبلاً مشخص شده، عارض گردند.
- مراجع عامه باید قبلاً تمام اطلاعات مربوط را که مورد نیاز همه است بدون تقاضای مردم به نشر بسپارند تا رسانه ها و اشخاص ضرورتی به تقاضای آن پیدا نکنند.
- اگر موضوعی به نشر نرسیده و اشخاصی خواهان اطلاعات گردند، در صورت پاسخ منفی در برابر تقاضا باید دلیل مشخص مندرج قانون از جانب اداره به شخص ارائه گردد، یا از جانب اداره مستدل گردد که افشای معلومات تقاضا شده، موجب آسیب واضح به هدف آن اطلاع وارد خواهد آورد.
- و وخامت آن آسیب بیشتر از لطمه باشد که از افشای اطلاع میتواند متصور باشد.

پایان

مأخذ:

- 1 - قانون اساسی افغانستان
- 2 - میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
- 3 - میثاق اروپایی حقوق بشر
- 4 - میثاق امریکایی حقوق بشر
- 5 - بعضی از اسناد ذیربط به موضوع متعلق به ادارات سازمان ملل متحد.
- 6 - Les pages des web site de « l'article 19 »
- 7- حقوق بشر پرسش و پاسخ از لیا لویین
- 8- یادداشت های خصوصی نگارنده مرتبط به موضوع
- 9- اعلامیه جهانی حقوق بشر